

مقصود از نوشتن این نامه مطالبی است که بطور خاص با برخی از رفقای رهبری سازمان در میان گذاشته ام.

با اینکه لازم دیدم یکبار دیگر مسائل یاد شده را بصورت کتبی با رفقای گرامی در میان بگذارم.

این مطالب بفرموده زیر هستند:

الف: راجع به ماهیت و ب- توده ایران و کوه انجمن و عمل ما با این حزب.

ب: راجع به عدم برخورد جدی و صریح سازمان با خطاهای سال بعد از انقلاب

ج: راجع به روش برخورد سازمان با سیر جوانان سیاسی بخصوص با لیبرالها و مجاهدین و ضد مسائل پراکنده

الف: حزب توده ایران:

رفقای گرامی!

بنا به دلایل زیر اشتباهات حزب توده ایران در سال بعد از انقلاب به هیچ وجه ناشی از خطاهای ما نیستند از قبیل عدم تکمیل جوش حاکمیت بر آب... و یا نفی تحریر و پیگیری وضع انقلاب ایران نبوده است بلکه ناشی از دیورتوئیسم ریشه دار تاریخی است که در هر مرحله از دیورتوئیسم سیاسی و تشدید گریبیا نیز این حزب بوده و حزب توده ایران در طول تاریخ خود هیچگاه بطور جدی به نفع و برتری عمل آن ملت شسته است و برای از بین بردن آن کوشش ننموده است و آنفا ما برخوردی پراکنده ای هم که کرده است نتایج میدهد که این برخورد آن نیز دیورتوئیسمی بوده و عماد است با این برخورد ریشه ای اصلی از طرف حزب از خط مشی پرورتر در جهت برده باند.

بنده سعی میکنم بعد از اختصار این دیورتوئیسم و ریشه دار تاریخی حزب را یاد بخوانم

در توان دارم، توضیح دارم و بدینوسیله رفتن از کوه تفرخ در مورد این خوب، آگاه گردانم، هر چند
 که می دانم کیفیت برخورد هم چنانه و دقیق برای اینکار را ندارم، ولی اینرا نیز می دانم که بالاخره
 باید با مسائل برخورد کرد، انحرافات مبارزه کرد در یک کلام هر چه مبارزه است باید ندا می حضور داشت
 باین توضیح برسگردم به اهل مطاب :

۱- کوشش در برابر بورژوازی :

حزب توده ایران کوشش خستناپذیری در برابر جویانات بورژوازی در طول صدها خود از خویش
 نشان داده است. (این کوشش مخصوص در مقابل طغیان شماره ۱ است که آنجا نام مع آیه دنبال
 خود دیدک می کشید و اندرین واقعات بوده اند، و بخت پیروز شدن در حاکمیت و در طرفین هم داشته اند)
 حزب پیوسته برای اینکه بملک این نیروها بتواند، بر دیگران تکیه می نماید، پس پیروز گردید، در کل پیوسته
 از دست میسر کرد، هر وقت که در انقلاب دیکر است و مع (۵) پیوسته و آنرا در بونه و ابعوس گذاشته است.
 حزب برای اینکه بتواند به اصطلاح از کف پیروز شود، موجود بر علیه دشمن مشتعل استفاده کند، گذشته
 غیر اصولی کرده و مرز خطا می یزد و سر پا می خیزد، صیف نیروهای بورژوازی را بر هم زده است
 شرکت خوب در کابینه قوام، برخورد خوب با دولت دکتر مصدق، طرح شماره « انقلاب ملی »
 (که در تک هدف حزب از طرح این شماره جز این بزرگان داخل به بخش از بورژوازی ناراضی در بار بود)
 و علیه سیاست خوب در سال بعد از انقلاب فاکتور مستعدی هستند که نتیجه گیری فوق را نمایند
 میکنند.

همچنین متعرضانه گفته شود که حزب طبقه کارگر برای در هم کوبیدن دشمن در هم یک پروتسار
 باید از هر انکساری و توضیح کوچک هم باشد، استفاده کند. اتفاقاً بلشویک و منشیون نیز پروتسار
 در این سال اتفاق نظر داشتند. پروتسار خواستند بورژوازی روس را در دوره انقلاب دیکر است
 درین برخورد داشته باشند، اما آنرا در نتیجه تری از این اصل است. ۱۸۰ در هم، هم از هدف نظر داشتند
 همین بر سر رهبری طبقه کارگر در انقلاب دیکر است، بر دیگران تکیه کردی انقلاب کارگران، و همان
 با واقعیت هر چه که می تواند باشد، در مقابل منشیون، برای اینکه بورژوازی را سرکشانده معتقد بودند
 که پروتسار را نباید هدف خود را میسر کردی انقلاب و آرد دهد.

لبنی و مشکوی معنی قطعی پیروزی بزرگ را نشانی است موقت است که در این دولت میباشد
 در همان قیام توده در سید و بلند فاصله می باشد بر نامه صد اقل بر و تبار را بجزود اجرا میکند
 اما مشکوی بدون شک از روبرو دولت موقت است که بگویند شکر مجرب مسیح را با پیروزی قطعی
 انقلاب می باشد. همین در حق آنها چنین نرسد: در کشور مشکوی با قطعنامه خود بطور
 عمده ما خانه تا سطح بود روزی کیرال تنزیر و سلطنت طلب نزل می نماید و می گذرد و ب با
 قطعنامه خود آن عناصر دیگر از انقلاب را که قادر به مبارزه هستند نه دلالی اما سطح خود ارتقا
 میدهد.

لبنی در همان حال با صراحت هر چه تا به بود روزی را دشمن استی نماید بر طبقه کار را اعلام داد و مبارزه
 استی طبقه کارگر را با بود روزی ضیانت استی که سر خواهد تمام و تا حدود انقلاب را از طبقه پیروزی
 بر می آید اعلام میدارد.

آیا حزب توده ایران در اتحاد با راجا با نیت بود روزی از این مسمی نیتی پیروی کرده است؟

یا اینکه حزب توده ایران بخاطر اینکه بتواند به اصطلاح همه مخالفان رژیم شاه را در کنار خود

داشته باشد، فائده مشکوی پیروی خود را تا سطح بود روزی کیرال نزل داده است؟

آیا حزب توده ایران فرجام انقلاب را منوط به این میداند که آیا در این انقلاب

طبقه کارگر نقش مهمی داشته باشد یا بازی خواهد کرد یا نقش رهبر انقلاب توده ای را؟

تاسف آنکه در این حزب در رده اول اهمیت و ارادته این بوده است: بجای آنکه در کسرها

بیاید که در رده اول اهمیت و ارادته این بوده است: بجای آنکه در کسرها
 (و اگر مختصر بهم بود اینها گفت چه بهتر)

و به ضرب اجازة فعالیت علمی بدهند اگر ضمن روی سر کار نباید ضرب؛ استفاده از ادبی فعالیت ادبی
 موفق خواهد شد که کارهای بعدی را بردارد از نظر ضرب در کلین نهایی در عشر نوار از سرهای داری بوسه نرم
 کار ایجاد شرایط نوار بوسه نرم به دستگراهای انقلابی سپرده شده است و این آینه هستند که جامعه را آنگونه
 سوزنیم پس خواهند برد پس کمک خواهند کرد تا ضرب طبقه کارگر آستین را با ازده شروع
 به تمام جامعه سوسیالیستی بناید بنابراین که هر ضرب زودتر شروع بر سر هر طبقه کارگر در انقلاب
 دستگرا تیک وطن و بر سر نابود نظام سرمایه داری و شروع سوسیالیسم علم (جهت بصورت سازماندهی و تئوریک با
 جریانات غیر پرولتاریا از بود داری لیبرال گرفته تا دستگراهای ^{الله} و همچنین مصلحتی این تئوریک سوسیالیستی جهت بصورت
 شروع سوسیالیسم در بین کارگران شروع پردازد هر وقت که تئوری مانند بصیبت دستگیر است
 این دشمنان آتش ناپدید طبقه کارگر می رسند از نظر ضرب چون سرده انقلاب سوسیالیستی بناید
 از نابود نظام سرمایه داری ستمی میان آید بلکه از نابود شدن سرمایه داران و عدل مافکاخ

باید صحبت کردن عده بر این
 از نظر ضرب توده ایران در دهه عشر نوار از سرمایه داری بوسه نرم معجزه هم میسواندرج بدهد
 یعنی بویات گنه اندیش این یادگار عهد قرون وسطایی میسواند جامعه را آنگونه سوزنیم

میکنند - میتوانند با کمترین، این به ضایع کند تا آنکه وضد بازار (مهند نظامی) در این

نقد شود. یعنی میتوانند با نابود کردن خود سعی شود تا از دور نابود شود

همانطور که در بالا ذکر شد نتیجه سطقین و اقصیاب نباید کوشش در برابر بود و از برای فراموش کردن است

تا غیر از این راه در کل است. و به همین دلیل است که از تنوعی راه شد غیر سر راه ناری این در

است و در آن راه میدهد که در صورتی که سید الله جامع را تا آن زمانه میسریم

پیدا شد و این بنیست است که به حزب دولت می بخشد به ماکت ارتقا میسریم

نقطه ساز سرنایه پیرا اعطاء نماید. و از طبقه کارگر به خواهد که حامی و مدافع

حکومت چینی بودند تا راست کار کردند

۲- حزب توده ایران سازمان اقدام انقلابی توده؟ توده، بنیست و نخواهد بود.

بدری تمام دوره فعالیت حزب نشان میدهد که این حزب در مساله سازماندهی توده

برای گرفتن قدرت سیاسی سنگی بخور نبوده است و بیگانه قسم براه نیروی دیگر بوده است که تا آنجا

اعتقاد است و وی در اختلاف با آنها و به کمک آنها، به کمک قدرت حزب بود

از این رو بر اعتماد بیشتر نباشد. و اعتماد بر همین بوده است که در اسرارش قدرت بیکی
 شد نظر نیست، و عجز به صدها پروتیه است. رفتن قدرت که در اداری نیست، نیروی تعیین می کند،
 در حین نیروی هم ندارد. بنا بر این قضیه از بیخ و بن بر این صحت است. از آنچه کار با این است
 نظریه. از آنچه کار با ایند خود مستقیماً تدبیر و زرد تا توده را به میدان مبارزه کشد
 و خود را زانقدر اقدام انقلابی آنان کرد.
 رفتن تراخی!

بسیاری در رهبری آنجا هم معتقد بودند که اسرارش قدرت بیکی و ما این رهبری طبقه کارگر
 اسرار اداری نیست، اما ادعیه کند در ما باید پیروز شویم. «انجم از ایند حرکت رسول
 دیگر اسی در محو است انقدر بی وقت حسن باشد، باید به منظور حفظ و تکمیل ربط و تکرار پیروزی
 انقلاب. اندیشه لزوم ف ردا که بر دست وقت از طرف پروتیه های مسلح حرکت رهبری
 رسول دیگر اسی را درین وسیع ترین و گسترده ترین پروتیه را ترویج نمود»
 فائده مستعد تاریخ و مخصوصه سال بعد از انقلاب نشان میدهد که فوب توده ایران در درجه اول
 به تحمل حاکمیت از بالا، توجه داشته است. نه به ایصال ف راز و تعیین.

بطور مثال اول به زوره در تصدق است که می‌کنیم: بنا به گفته خود خوب

در تاریخ ۲۵ مرداد ماه و یا حتی قبل از آنکه انجام کودتا توسط بحال است و این سه اسم از

اصلاح داشته است و در تصدق را هم در جریان گذاشته بودند است و از این سه نفر

شود است که قاطعانه در برابر کودتا مکرر التماس می‌کنند و ندادند است و عملت

بر باد رود چون جواب مثبت نمانده است از تصدق خواسته است ^{اجازه ندادند است} به اجازت

فوائد تا خوب خود را اقدام نماید. اما تصدق استباه کرده است (نه این تصدق

به کلمات تاریخ و طبقات نمی‌توانست است اجازه بدهد او منافع در هر طبعه خود را

سیدید، او تجربه فراوانی داشت از اینکه بی‌گناه کوهنیزت سرکار بیایند، کل نظام بهره‌داری

در نهایت نابود خواهد شد، بی‌گناهان کتسله بهم نه کرده، ضد صیقلیت استرغش بکنند

وقتی هم کودتاچیان به ضیاع آن ریخته و باز هم با تصدق تماس گرفته شد تصدق

اینبار گفت خود را نباید هر چه می‌توانید ببینید، چون دیگر دیر شده بود، در حقیقت چون

دیگر است تپا بوده، و نیروی نبوده است که مانند معجزه گران بر بازوی خوب وقت بکشد

۸
نذاه صدام در این دیده است که دم فرو بندد و منتظر بود تا دلیلی تو در محمد رضا است که مستقر گردد

و به راحی استلا بیون اصلیه را که زیر پرچم وی گرد آمده اند بدون پرداخت کوچکترین بهائی

به بالا در بار بیفوسند چه افتخار در بالا از درک شرایط عینی و ذهنی است که خوب آنرا

مجموع درک می کنند مگر مستور بدون استلاف با دیگران و بدون تحمل یک استلاف ملی

و در این اواخر صیحه مستعد خلق است به تحمل زدن هم اگر نیروی مادی بزرگی اینها را هم

دانشه باکی که اندیشه در دوره یاد شده واقعا خوب تنها که ترنای نیوی بود که مستوا

با بخش کردن کودتا، خود در دراک قدرت قرار گیرد و اتفاقاً نیروی مادی این کار را

هم دانست. تنها چیزی نبود است نه است الله بی داعیه و بی فکر و با زانگی اقدام

الله چه توده نبود بصیرت دید خوب بلد نیست، مگر نه باید الله کند، اینها اما در مجال

بلکه نیز از این جدت است در عرصه کونانیون نبوده و ترجمه نماید

توجه به تحمل خوب در دوره یاد شده، علاوه بر زاریه فوق، از زاریه زیری هم قابل اهمیت است

و آن اندیشه آیا خوب طراز نوس طبعه کار مجاز است به یک نیروی که ظرفیت تا ظرفیت آن

آن امروز دیگر ضعیف محسوس شده و صبحی رفته رفته استقامت خواهد داشت که در جنبه عمومی
پیدا می کند. آنقدر تکیه بر زندگی بدون اجازه او صحت آب هم نکورد؟ توده را به نبرد قطعی

و سرنوشت ساز حرکت کند.

تکالیف فوب توده ایران در این عرصه بحر جدی می رود که حتی وقت مردم از گفتار تبریز در

۲۹ بهمن ماه ۵۵ بر علیه رژیم سفارت هفت می طنین می زند. کمیته مرکزی را در اقلیت می ان

چهارم کرده و در می می شود که مانوسیت و سادگی تقابلت آرام و سلامت آن نیز مردم تبریز را

به حیثیت آن نندازد تا موجب شد به مردم گردند. غیر از این می نوشت و تعجب داشت

نیز در فرهنگ او خارج شدن از چارچوب کودکان بود و دانش صفتی ندارد و بسیار

که روی کرد باید صحت المقدور به سلامت راه را برنگرد. رفقا صفا و کرامت فراموش کرد

چراست که این مسئله می شود که فوب در ادوار به پنج ماه شمار بسیارند می نه توده را واقع

کرد آن موقع دیگر برای هم روشن شده بود که رژیم رفتنی است و آنهم بزور مردم، آن موقع

در واقع قیام می نه شروع شده بود و فوب در حقیقت برای محب نامیدن از ما فله

این شمار را طایع کرد

در اینجا به یک نکته دیگر نیز اشاره کرده به جهت خود را این مورد خاتمه میدهم و آن اینست که بر فروردین است
 کینه ای قرب با شمی مسلمان می آید از این زاویه روزی بود که چون این شمس با اصول با رسم
 نسیم مغایرت داشته است، قرب را تا این حد کشفه خاطر و غمناکین ساخته است و به همین خاطر
 این قرب ~~بسیار~~ اینچنان بر شمی مسلمان می توید که بیدار از این زاویه هم بر روی شود که این قرب
 در هر جویی که چهره آنقدر به داشته و راه تهر را ^{خفاست} برای سرنگون کردن تا دندان مسیح محدود ضایع می شنود
 سیکر ده است، سرد و بفر و غضب قرب کواری داشته است، نه درکی و یا نارنگی آن وقت.

۳- برخورد سکتاریستی قرب با جریانات چپ انقلابی:
 حزب توده ایران ضمن اینکه با نیروهای بورژوازی (قبل از انقلاب و بعد از انقلاب) حد اکثر ترش و سدا را
 بکار می برده و با ادخ ش حکومت اختلاف ملی به آن نهاده و طرح نیز نشان میداده، چو در اثر با جریانات
 چپ انقلابی بنایت سکتاریستی و از موضع بالا بودن است. جوانی در جزیره چینی که فدائی خلق هم می شنود
 سازمان مارا در کن رهبری گری قرار میدهد به بقینه جریانها لقب «ترکیبی لای توک» می بده
 بر حسب مانوئیت حزب امی از سوس قرب بود که بر پیشانی علیه جریانهای انقلابی تک شد.
 قرب از یک طرف در برخورد با نیروهای بورژوازی و راستی سفا صدر بردگاری (واقعیت حضرت
 مسیح شدن) را توصیف می کند و از طرف دیگر بدترین اهانته را نشان میدهد چون از جان گذشته
 هم کند. همین امروز هم قرب، وقت با جریانات می تلف خود برخورد می نماید، از همین رویم
 (منتی در شکل یا تجربه ترجمی می کند) استفاده می نماید. در نامه مردم در مقام برخی تنوری
 قرب بدون اینکه در راه راستهاست جدی خود در طول تاریخ سیاست است ره داشته باشد
 از همان نظر دعوت می کند در قرب او را در کینه و زیره هم می شنود زنده.

خوبی که در محل صداقت خود را می زند و در آن زندگانی که مردار و لغت است می تواند
 اعتماد سایر جوانان است چه را بطرف خود جلب کند و ما اینکه تا سوخ نمی چو بر این تره هم خود نگردد
 در نهایت و سال بعد از آنکه بگفتن زمان (فصلی که در آن بود)

ع - حزب توده ایران و همه متحدان :

حزب سالیان دارا است که سبب تشکیل همه متحدان است که به سینه می زند و این از اعتمادی است که در این
 طبع و تبلیغ این سال می بیند اما در این عرصه هم حزب به نظر راه می رفته است به دو دلیل :
 اولاً حزب توده ایران برای اینکه واقعا بتواند اعتماد نیروهای انقلاب را جلب کند باید با گذشته خویش
 برخورد جدی کرده علل و ریشه های اشتباهات خود را بطور صریح بیان دارد و در محل هم نشان
 دهد که واقعا به آنچه که میگوید وفا دارد است آیا حزب حافظ است دست به چنین کاری زندم
 تا به وقت که حزب سالیان می دهد که حزب پرترتین به چنین کاری نخواهد داد ~~و این را باید~~
 ندانند است ~~حما~~

ثانیاً ~~حزب~~ حزب برای جذب نیرو غیر پرترتی از موقع پرترتی بیروی نخورده و نمی نماید
 حزب برای اینکه بتواند این جوانان را در همه طبع شده خوشترترتر جمع آوری نماید
 حافظ است به حد اکثر گذشت ؟ منظور جوانان بودند و این دوره پرترتی است که بدهد
 مسائل سیاسی را در جهت سیر یاد کرده و حل و فصل نماید آنها همانند تمام اطلاعات خود را
 علیه کمونیسم بگویند آنها همانند با طبع مسائل انحرافی و زخمی که در تو هم نمی دارند تا در آینده
 برای صحت بتوانند انقلاب را در نیم راه متوقف سازند برخورد جدی با اینها فعلا در دست قرار ندارد
 زیرا که این است بر سینه علاوه بر این اینها فعلا از روی ناواری به ما چنین تند و تیز عمل می کنند
 بعد آنرا خواهد فهمید

حزب از این واقعت که طبقه کارگر در سرحد دیگر است و این وحشی در دوران نذار ~~بسیار~~
 تنها نیست و دهقانان و فرزند پرترترترتری و بخش از پرترترتری (؟) متحدی در سرحد
 اول و دهقانان تهدید و زخمی که در دوران نذار ~~بسیار~~ است این
 نتیجه نادرست را ~~اصول~~ می گیرند که نیروی کار را ~~بسیار~~ است ~~بسیار~~ ~~بسیار~~

اما امروز وضع فرق کرده است. بازرگان بعنوان رهبر نهضت آزادی با استبداد آخوندی
 مخالف است و توانسته است در بین مردم برای خودش جا باز کند. باید از نیروی
 استفاده کرد. برای حصول به این مقصد نباید با لیبزها برخورد جدی و قاطع داشت نباید آنها را
 افش نمود و مباحثت واقعی شان را برای مردم توضیح داد. بلکه باید کاری کرد که آنها را
 به جهت ضد استبداد می کشند، شرط تحقق این امر، سکوت در برابر آنهاست. مثل اینکه ارسا
 با بازرگان و جریان تحت رهبری برخورد کنیم. از نیرال بودن خود شرمت خواهد کشید، و
 اختلافات خود را با رژیم خمینی کنار خواهند گذاشت. در هر طرفدار استقامت توانی بوشدانی نخواهد بود.

ایروز مجاهدین خلق با اتحاذ خط سسی براندازی جمهوری اسلامی از طریق ترویس کور، مجریان ناگاه
 و حتی رسل رهبر مجریان آگاه نمی از توطئه های ۹ ماهه امپریالیسم بودند. امروز مجاهدین
 و نهضت انقلابی هستند و نهانند خرد پوشده و از نیروی و روشانی و توطئه نازکی ملی را برعهده دارند
 علاوه بر آن نفوذ قابل توجهی هم در بین توده دارند. باید آنها را به شکل جبهه ملی خلق متحد
 کرد. برای تحقق یافتن این امر نباید به اختلافات موجود دامن زد، و باید مسائل فیمابین را
 دریت میز مذاکره حل کرد. از انرو آنها امروز با عامل امپریالیستی سر و کاری دارند، آنها را
 با سرعت ۱۸۵ درجه ~~می کشند~~ ضد کمونیست و ضد شوروی می شوند. با اینکه چون رژیم خمینی هستند
 و نهانند خرد پوشده و از اتحاذ خرد پوشده و از اتحاذ خرد پوشده و از اتحاذ خرد پوشده و از اتحاذ
 طبعی میروند و در مرحله انقلاب دست و پا میزنند و مثل ~~کمیونیست~~ ^{مجاهدین} میزنند و نهانند خرد پوشده
 نتوانند برودت را سیاستمدار نباید آنها را افش کرد، با آنها برخورد انتقادی داشت، نباید به مردم
 درباره اهداف و تجمی مجاهدین سخن گفت. چون ممکن است رژیم ایران از این مسئله
 سوءاستفاد کند و بین خمینی مجاهدین از ما بریند. از انرو آنها همانند تمام لاطاللات خود را
 علیه کمونیست بپوشند و بپوشند. به ماه عمل طرلاخ خود را با همانل امپریالیستی ادا می دهند، ادغام
 مذهبی را در جامعه رواج دهند، به باورهاهای مذهبی در بین توده آنها را محقق کنند،
^{توابع دین}
 اما، کمونیست همانند ~~کمیونیست~~ آنها را سر جایی خود نشاندند و با انحرافات آنها مبارزه

ایده نو تقدیر می نماید در آینه ان و الله تعالی، مباحثین خود را به احوالات خود خور
چرا خواهند برد

و قضا می نماید

بسیار خوش است که با طبع کار و برزخیت خود با خواهند
تا به غنچه بازرگان و بازرگانها، به این منظور در ایوان لندن و آریتره اند که تا بجز انند انقلب
در باره به مدت یک سه طبعه کار کرده خواهند فهمید که بویژه و لذی دشمن آریتره نایز برش است
و طبعه مبارزه با نفوذ زید و لوری بر ریش وانی و در دون طبعه کار کرده که نام نیروی سه رده شده است؟
و اما در مورد جاهدین:

کلیف آن مجاهد بگفتن که نارنجک بسته، در کوه و دریا با آن با اگر ان الله گفته می شود چیست؟
او کسی و چگونه به سازش ری و انحراف رهبران خودی خواهد برد؟ و الله انهم انین او چگونه به حقانیت
گوشیتان خواهد برد؟ لابد او نیروی نهان نیز خواهد برد.
و قضا می نماید

روش سکوت در برابر دشمنان بسیار جو و نجات به خود لیل که باشد مورد باید گوییتان می در به مرض
ایر و نسیم گرفتار دنیا عده اند، ندره نیست و نخواهد بود. این روش، روش مردان الله است
علاوه بقول لیل، روش در مستوفیان و روانی است. روش نوریان است که کدول پر است برای
جمع آوری نیروی شتر، گدازن میکند. سلطان با شیم که تنها و تنها با تبلیغ خط و مس و بر نامه خوب طبعه کار
و با قدرتمندتر شدن خودمان است، که بجز صانع و پیگیر این نیرو را به تمام با مردم دنیا و ادار خواهد
ساخت.

تا به روز آینه ان خواهد داد که رهبر می هدین امروز در کدام جا راه قدم نرزه اند. امروز و غم
تا به تو جهی از رهبر می مجاهدین بخصوص شیخ چون، استماله پیدا کرده اند. در راهی قدم گذاشته اند
که در تمام آن تمام عین با امیر یاسیم و به سر کرده امیر یاسیم امیر یاسیم، در حدوده جهان و نیروی
بویژه وانی در داخل کشور باشد. از اینرو امروز شش از هر وقت دیگر بر خور و سیاهی ایده نو تقدیر
با این جهان ضرورت دارد. بگذرم از با زمان و روزی که آنرا است دشمن پر و قاری و برزخیت ان
دشمن استعدال میهن ما هستند که هم اکنون باید افش در وارد شوند.

۵- حزب توده ایران و مبارزه ضد امپریالیسم :

به اعتقاد من تضاد طبقه ایران با امپریالیسم در درجه اول از طریق نابودی پایه های داخلی امپریالیسم در داخل کشور، حل خواهد شد. لذا از اعضای بزرگ بر امپریالیسم امریکایی، محاربت است زیرا مرکز بر پایه های داخلی امپریالیسم یعنی نظام سرمایه داری بطور کلی و نظام سرمایه داری وابسته بطور مشخص در معرضه آن از او می باشد، تا بودی همیشه نهاده های سرکوب و طاعونی و سپس این نظام و کتله ملکی آن را در حالی دستگیر است و در جامعه (که از این واقعیت نظر امریکایی را می توان در واقعیت، از حزب توده) در معرضه است حاجی، پایان تاریخ به روابط استقلال بر باد داده کشورمان با دول امپریالیستی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) و کتله سرروابط دولتی و با کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی در جهان، حقایق واقعی میمانند ضد امپریالیستی است. اما حزب توده ایران با طایفه های بسیار و کتله دارد برای ادغام است که یک رژیم شریک فرادولت به امریکایی بدهد و محاربت با دولت های چون روسیه و چین هم رابطه داشته باشد و زیادهای آن را در جامعه منظم کند و یک رژیم یک رژیم ضد امپریالیستی تلقی شود. بر این اساس همان هم نیست که همین رژیم بدست رژیم است ضد امپریالیستی، ضد کمونیست، ضد شوروی، رژیم است که ما با زار است کمترین رابطه را دارد با این در این زمانها، خراب و نداشت، دفاع نظام سرمایه داری و برادر طالع است، این مسائل، ضعیف است و جمع هستند، کم و جمع همان شعار بزرگ امپریالیست که حزب توده ایران به قول می شود در سال بود که آنرا شنیده بودند است.

از نظر حزب، در هر دو هم شیور با امریکایی مبارزه کرده

۶- حزب توده ایران و مبارزه انترناسیونالیسم :

یک انترناسیونالیست درجه اول یک ملیست واقعی است. وظیفه حزب معتقد به انترناسیونالیسم در درجه اول مبارزه در راه رفاه ملیست بلکه کارگر که خودش از سطح سرمایه و مبارزه نیست از سطح امپریالیستی است. در حقیقت از این طریق است که حزب بطور جدی در این انترناسیونالیستی خویش تا وقتی که کامیون نیست، محمل می کند. اما حزب توده ایران، از انترناسیونالیسم و کتله و کتله فقط این جنبه را در نظر گرفته است که کتله یعنی در مورد کشورهای سوسیالیستی و مخصوص شوروی و در این جنبه، از پیشرفت آنرا منع نمی کند، از موضع شریک جهان و دفاع آنها، حمایت نماید

دیر بر سرور می نیت بر بارز به بر غیر د. البته به اعتقاد من برای نیت اثرنا موافقت واقع انجام
همه این کارها ضروری است، اما حواشی نیت و حتی تعیین نیت هم نیت، تعیین نیت است
همان نیت که در اول عرض کردم.

۷- حزب بودن ایراد در عرصه تشکیلات:

الف: عدم رعایت اصل ستر ایسم در مکررات نیت از صفات بارز حزب بوده و می باشد.
طبق نوشته طبر آینه مسلمان، بنام عمی نذائمه، ۱۵ فقره نیت کتبه دائمی نذائمه، بنام سید محمد نذائمه
ایضا ۱۵ فقره (متاسفانه در این عرصه سازگان ما هم متلا به این اشکال است) بنام نذائمه
۱۵ فقره و به اضافه سعیدی که در این نذائمه است. این کارنامه حزب در طول ۶ ساله
حیات وی است. در این میان از من بنام به برخی در رهبر کتبه باس باس کار در این ان رهبر
کتبه و غیره چیز که بیان است، چه حاجت به بیان است. اما نیت نکتة راناکتة نذائمه
که به رهبر نفع حزب نه گویند و در کنار هم درام و نه آنرا قبول دارم و معتقدم که در مجموع
نام بهترین افراد در طول ۶ سال فعالیت حزب، امروز در رهبر حزب قرار گرفته اند.
شاید بر طرفداران کار از این به هر دلیل که باشد، با این رهبر نیت تمیز کنم.

ب: انحلال تشکیلات حزب در داخل کشور (قبل از انقلاب) کاری است که محال طبقه
و با هیچ دلیل توجیه پذیر نیست.

۲: حزب پرستار توان آنرا نذائمه است که در شرایط ریشه توری و خفقان در داخل کشور مبارزه
ناید. وی سعادت کرده است در شرایط محلی کار کند، از این رو حاضر بوده است برای کتب اجاره
فعلیت محلی به نذائمه و در موضع پرورش تن به حد

۳: حزب به اصل انتقاد از خود پرستار و از این رو است. یاد می آید وقتی ما در حوزه های سیاسی
مطالع میکردیم که چرا حزب در مورد نذائمه و اثر به بحث جدی نمی شنید؟ از قول من توری به ما سلفند
که ما از پیرامون چنین خرد را پس پرورداری چنین نمی کشیم. البته اعتقاد من این دلیل صرفاً
برای جواب ندادن به ما در توجیه نبودت حزب در مورد نذائمه و اثر و از انتقاد
آورده می شد زیرا اتفاقاً بر عکس واقع نگارم «پیراهن و شمشیر» خود را که عاریه از پرورداری

بیت در پس خود نشسته دارم ، و بگذارم بوی کند آن صفت عمام را بیاورد و بر سر من نهد
 بلکه باید که گزرا بزرگ را بشنم بخورد بوشه و آذنی . طبع است معروف ، جنس خواب به هم حس بر گرداننده
 می شود . مانند باید اینطور محل گنیم . در آن گوی خواب به این پیراهن ضعیف علاقه مند است . و آنکه در علم
 و عاقلت دیگر بر خورد آمدند خواب به خط مشی سال بعد از انعقاد است ، که رفت از طریق
 نایب مردم در هر کس خواب در هر حالتش مستند .
 رفتن کما تراهی !

اینها مابین بودند راجع به خواب که من طی این وقت به آنجا رسیدم بودم . دختر سکن امروز من از سر زان
 طبیعت دارد که از حال با خواب بر خورد داشته باشد ، این اشکالات خواب ، تشنه فانی در برخی زمینه ها
 در زمان ما ، آثیری ندارد ، از اینرو بر این باور است که از زمان خودمان لازم است با این اشکالات
 برخورد جدی مبارزه کرد . من در اینجا به بحث خود در مورد خواب فائمه دارم و به طبع سایر روابط
 با زمان خودمان می پردازم . این مسائل عبارتند از :
 الف : عدم برخورد جدی و عدم باور به خواب در عبادین
 ب : عدم برخورد جدی با خط مشی سال بعد از انعقاد
 ج : رعایت کمتر اصول استفاده از فرجه های زمان ، در حل مسائل جنسی

با خصوصیات

انعام اف ای میرا :
من این نکته را قبول دارم که امروز بر این رخ کوسسی فاشیتی باور می باشد خاص خود هو حکم است در این
نقطه چنین رتبی باسی از کلیه امکانات استفاده کرده اما به چه قیمت و با کدام روش؟ روی
دین حرف دارم:

زمانیکه ضمن درین مورد نتواند است و حکومت روی حکومت ضد پرستی مانده است، هاپر
کوانتیم و اکثر اینم بحق بود به نسبت آزادی به شکر بازرگان نقتیم اما اینک بزرگان
در این پوزیسیون قرار گرفته است و ضد استبداد اخوندی است و علاوه بر آن در نظر است که همه ضد استبداد
طرح شود باید با دسی همکارانه برخورد کرد تا آنکه نمانند آریا ما حاضریم به قیمت سکوت برابر
سیوت خانانه نسبت آزادی به با باز نداشتن است برابر با رسم سفتن ذهن کردن
و نتواند این دولتی بود و فازی در درون طبقه کارگر که خرابه اتحاد و صفوف با خود جلب کنیم؟
رفق گرامی!

در دستان سلیز و لزانیکه احکام نقیم برابر با (امروزه بود و روزی) و مانند حال در زمان
سیاسی آنها (دشمنان که میسر پذیر طبقه کارگر و سایر طبقات هستند، چنانچه به کرده اند) نشسته بود
که آنها بقول من به این به هم میخورد و روزی میستند اند که انقلاب را استوار کنند؟
نیز اف ای بزرگانه برابر با به رهبر انقلاب است که از این است باید مردم ایران همین امروز
روزمان که کوریت در باره خیانته وین زشتی در این مورد طلب کنند
در برابر ~~بلوکی~~ بلوکی لا نیز دشمنی خودخواه و خود داشت، برای سرنگونی دین حکومت
نیز استفاده از تمام امکانات لازم بود، اتفاقاً بود و از این ایران نیز جز در این پوزیسیون بود
چگونه آیا بلوکی، برای جلب دینا لیت سکوت پروری کردند یا اینکه برای انشاء انقلاب
بدر هر روز همراهِ انباشته اف ای همه جانبه آنها را میبندد؟ تمام کوشش بلوکی به هم
نشین این بود که در بین طبقه کارگر این ^{ایده} رواج یابد که بود و از این دشمنی که تا پیش
میروند است. اتفاقاً آنچه در این لحظه کار کردن هم؟

پس در وقوع فوت : بود و از لیبرال محروما و غیره نیز لیبرال خصوصا بنویسند
آزادی و قانونیت نباشند، چرا که بدون آن، مدعی کامل و مطلق بود و از لیبرالیست
بود و از لیبرالیست از جنس زاده می آمد تا از آنجا که...

انرا نیز چه مابا بازرگان و چه در یکدیگر...

از آنروز چه مابا بازرگان و چه در یکدیگر... در زمان با این
طریق خورد با کمالیت فنیه مخالف است خواهد کرد صدرالیه این مخالفتان
با روش خاص خود می انجام خواهد گرفت، بنابراین کسوت یا ایفای کارانه بر خورد کردن ما با این
جریان، نه تنها ما را کسوت نخواهد کرد، نه تنها آنرا را به ما برده نیست، و طبع ترمیمی موفق خواهد
داد بلکه به آنها فرصت خواهد داد با امکانات و دستوری برابر به شکست منتهی شدن از الله ب

دارد میدان شود.

بهینت نیک ننگه در بیایم آن ره در شکر و در آنچه ایستد یبرایمان کما فر خواهد بود ما در یک
بهره ضنا کسوتی شرکت کنند؟ هر آنرا ما به همین کسوت خود در برابر آنها هم چنان
دوام بدیم، آنرا نه تنها به ما فریب استوف پر چند سوخته ما نخواهند شد، بلکه بر کسوت
تا بود ما با شدت هر چه بیشتر می کند فر خواهد کرد، او منافع طبعی خود را بهتر از همه ما درک
می کند و برای ~~کسوت~~ آن محمل می کند.

۲ - عدم برخورد با زمان هماهنگین حقوق

رفقا محترم!

عنه ما اذعان داریم که برخورد زمان با هماهنگین از سال ۵۰ به بعد در این اشکالات مبتدی
بوده است. این اشکالات بنویسند خود با بیبررسی شود اما امروز نیز روشی در برابر هماهنگین (تاکنون)
روشن گرفته شده است که دست تهیه برداری از برخورد ما با همسین سال ۵۰ بود می باشد.
همانطور در بخش مربوط به حزب نفتم زمان باید به ما بدهد جدیدی (بودن کسوت بیایم)، از این جریان
بیرادار و بدین ترتیب نگارنده آنرا با در دست موفق بود از الله ب را به شکست منتهی کند.

بافتن سرشود که شش دست هدی برال بود هر چه نهالی بود و منتظر فاشن، بخاری هدی برال
 منگنه آفرند را چه کار با اندیشه اگر چه به و با و هفت بهرید آفرند به اندیشه ای و رون
 و طمانی نیامند است تا خود حقیقت کردند
 از اینها که بگذرم، پیوند مستحکم است که از هماغه که غازی من ماکسه فها با بازار و بجهت بر بود وادی
 تجار و جود است، و درم برتر در جهت محدود کردن عرضه فاشن آفرند قد می برند است
 البته از حق نیاید بزدانت که درم فخر را از این به سر فایه را از این داد و امروز هم به وقت
 مصیبت ایجاب می کند، از آن فخر، نشا را در باغ خود می کند، اما امروز دیگر بهر
 معلوم شده است که این فخر اولاد برای فریب از دهان محمول است در مانی فخر فخر است
 که بنیه صبه ناز و خنزه را از ~~صحنه~~ صبه واقف فخر
 رفقا ترا می!

بر درستی که صبه خط ~~صحنه~~ می نداشتن زمان و در شب و شب آفرند و اعلام آن به مردم
 نه تنها بر خلاف عقدهات و با ما را ضعیف نخواهد کرد، بلکه کثرت هم خواهد کرد
 ج: بحایت کمتر از اصل استفاده از فرد جمع در عمل مایل جنبش
 با کمال تألف با بدگفت که تا به امروز سازمان برای استفاده از فرد جمع زمان و تمام مؤثری
 بر ندانسته است

بدون تفاوت با بدگفت که در کمی که در بحث و گفتاری مایل مربوط به جنبش مؤثر
 هر چه وسیعتر

و جنبش ادوات ایران، به میزان زیاد در باره جمعیت زمان را خواهد داشت.
 رفقا، چه دلیل دارد که ما از بحث این که در بنوم گذشته در سازمان و این وقت به اطلاع
 باشیم؟ و یا چه دلیل دارد امروز از جریان یکدیگر میمانی که به تیغ قطعتر نزدیک اند
 صطوح بنیم و در باره ~~صحنه~~ آفرند، نظر منوع بپذیریم؟
 یا یک سوال دیگر: آیا که منوع واقف و حقوق کار در این سازمان مستقر شده است؟ اگر شده است
 صیت؟ اگر شده است؟

در خانه برای همیشه رفتیم کتبی که در آنجا مانده است و صحبت می‌کنیم و در آنجا
 در آنجا همیشه کتبی که در آنجا مانده است و صحبت می‌کنیم و در آنجا
 با درود که در آنجا مانده است و صحبت می‌کنیم و در آنجا
 با درود که در آنجا مانده است و صحبت می‌کنیم و در آنجا